

رویکرد علامه مجلسی در شناخت آسیب تقیه در احادیث بحار الأنوار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

تایخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴

علی راد^۱
روح الله شهیدی^۲
سجاد صحرایی^۳

چکیده

علامه مجلسی به عنوان یکی از علمای بزرگ شیعه دارای نظریاتی درباره مباحث آسیب‌شناسی احادیث است که مشخص کردن روش و معیارهای ایشان کمک بسیاری در شناخت بهتر و تشخیص روایات تقیه‌ای دارد. شناخت روایات تقیه‌ای از آنجا ضرورت دارد که روایات ائمه علیهم‌السلام از منابع احکام است و عدم شناخت آن‌ها موجب ایجاد تعارض و اختلاف در بین روایات می‌شود. جریان سیاسی و اختلاف سطح فهم شیعیان و جریان غلو از زمینه‌های ایجاد روایات تقیه‌ای از دید علامه مجلسی هستند.

شیوه پرداختن علامه مجلسی به روایات تقیه‌ای با جمع‌آوری و تحلیل شرح‌های ایشان در ذیل روایت‌هایی که به تقیه‌ای بودن آن‌ها اشاره کرده، قابل فهم و دستیابی است. با بررسی و تحلیل بیانات علامه می‌توان مهم‌ترین معیارهای شناسایی روایات تقیه‌ای و نشانه‌های این دست روایات را از دید ایشان مشخص کرد. از جمله مهم‌ترین مبانی علامه عبارت‌اند از: معیار اعتقادی، همراهی با مخالفان، اهل کتاب، مذاهب و تفکرات اسلامی، مخالفت با قول مشهور و ترس از طعنه، توییح و بدگویی را نام برد. سکوت هنگام پاسخ دادن، عدم اصرار به نهي کردن و پرسش مخالفین از ائمه علیهم‌السلام نیز از مهم‌ترین نشانه‌های روایات تقیه‌ای از دید علامه مجلسی است.

کلیدواژه‌ها: معیار، روایات، تقیه، مجلسی، بحار الأنوار.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. پردیس فارابی (ali.rad@ut.ac.ir).
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. پردیس فارابی (shahidi@ut.ac.ir).
۳. دانشجوی علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (sajjadsahraei@gmail.com).

تقیه از موضوعاتی است که ریشه در قرآن دارد:

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾^۱

و در روایات شیعه نیز بدان پرداخته شده است.^۲ علما و مفسران، از دیرباز، در شرح روایی خود به تقیه‌ای بودن بسیاری از روایات اشاره کرده‌اند.^۳ از آنجایی که این دست روایات در شرایط خاص بیان شده‌اند و ما نیز مکلف به پیروی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یکی از منابع دین و احکام هستیم، عدم آسیب‌شناسی احادیث تقیه‌ای موجب ایجاد اختلاف بین احکام می‌شود.

کتاب بحار الأنوار، جامع‌ترین مجموعه حدیث شیعی است و در آن بخش عمده‌ای از آیات قرآن کریم، همراه با تفسیر آن‌ها به تناسب عناوین ابواب و موضوعات درج شده و علاوه بر احادیث نبوی، احادیث قدسی و اخبار و روایات و معارف اهل بیت علیهم‌السلام نیز در آن گردآوری شده است.^۴ علامه در کتاب بحار الأنوار تنها ناقل روایات نبوده است و به تحلیل بسیاری از روایت‌ها از جمله روایات تقیه‌ای پرداخته است.

علامه مجلسی هم‌زمان با اوج تفکر اخباری‌گری می‌زیسته و در گرایش به اخبار اهل بیت علیهم‌السلام نیز شه‌ره بوده است و با وجود قراین زیر، این تصور ایجاد شده که ایشان از سردمداران جریان اخباری‌گری نیز بوده است؛ علامه شاگرد پدر خود - که گرایش اخباری داشته - بوده است؛ مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جامع حدیثی شیعه، بحار الأنوار را تالیف کرده است؛ برخی از استادان و پاره‌ای از شاگردان ایشان تفکر اخباری داشته‌اند و ...^۵ با این همه، محققان علامه را فردی میان اخباری و اصولی می‌شمارند و شواهدی وجود دارد که ایشان با برخی از مبانی اخباری‌گری نیز مخالفت کرده است.^۶ از این رو، باید علامه مجلسی را از

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۰؛ الخصال، ج ۲، ص ۳۵۵؛ الأمالی (طوسی)، ص ۲۹۳.

۳. الإمامة والتبصرة من الحيرة، ص ۱۵؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۷؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۲۷۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۲۷؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. أعيان الشیعة، ج ۹، ص ۱۸۴-۱۸۲.

۵. تاریخ حدیث شیعه، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۰.

۶. علامه مجلسی بزرگ علم و دین، ص ۴۲۸؛ علامه مجلسی، ص ۲۰۰؛ مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۵۹؛ زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۵۱.

عالم‌ان اخبارگرا دانست و اخباری‌گری ایشان، همانند اخباری‌های متقدم، امثال کلینی و صدوق و مانند آن‌ها بوده است.^۱ علامه روشی معتدل ما بین اصولی و اخباری داشته و در عین این‌که محدثی بزرگ بوده است، به علوم عقلی نیز توجه خاصی داشته و علوم عقلی، همچون فلسفه را خوانده و از اساتید این علم محسوب می‌شده و دارای رساله‌های عملیه گوناگونی بوده است که نشان می‌دهد دارای جمود اخباری‌گری نبوده است.^۲ بر همین اساس، علامه طباطبایی نیز علامه مجلسی را به عنوان محدث دانسته، نه اخباری به معنای ضد اصولی.^۳

علامه مجلسی، برخلاف اخباری‌های متعصبی مانند ملا خلیل قزوینی که باور داشت تمام اخبار کتاب الکافی، صحیح‌اند و عمل به آن‌ها واجب است و در آن، هیچ روایت تقیه‌ای وجود ندارد،^۴ به وجود تقیه در کتاب الکافی و سایر کتب روایی شیعه اذعان داشته است و به صورت قاعده‌مند و در چهارچوب مبانی خاص، به شناسایی و تحلیل روایت‌های تقیه‌ای اقدام کرده است. او علاوه بر شناسایی، مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد روایت‌های تقیه‌ای و برخی از نشانه‌های ظاهری آن‌ها را نیز تبیین کرده است.

مبانی و دیدگاه‌های علامه مجلسی در شناخت آسیب تقیه در احادیث شیعه در لابه لای بیانات ایشان قابل کشف و شناسایی است. برای دست‌یابی به این هدف، ابتدا تمام بیانات ایشان در ذیل روایت‌هایی تقیه‌ای در کتاب بحار الأنوار گردآوری شده و بعد از بررسی و تحلیل آن‌ها، سعی در شناساندن سبک و روش ایشان در آسیب‌شناسی روایات تقیه‌ای شده است.

لازم به ذکر است که پژوهشی به زبان فارسی یا عربی به بررسی رویکرد علامه مجلسی در شناخت آسیب تقیه نپرداخته است و تنها در مقاله‌ای با «عنوان علامه مجلسی و جمع روایات متعارض»، مهم‌ترین روش‌های ایشان در جمع روایات متعارض مطرح شده است و تقیه نیز به عنوان یکی از روش‌های حل اختلاف احادیث متعارض از دید علامه بیان شده است.^۵

۱. مکتب‌های حدیثی، ص ۳۱۷.

۲. تطور اجتهاد در حوزه استنباط، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳. مجموعه رسائل، ج ۳، ص ۳۰.

۴. اخباری‌گری (تاریخ و عقاید)، ص ۱۲۹.

۵. رک: «علامه مجلسی و جمع روایات متعارض».

۲. تقیه

۱-۲. واژه‌شناسی لغوی

اهل لغت در معنای واژه تقیه تقریباً هم نظر هستند. فیروزآبادی در قاموس المحيط می‌گوید:

وَقَاهُ وَقِيًا وَقِيَاً وَقِيَاً وَقِيَاً وَقِيَاً؛ صَانَهُ؛ اتَّقَيْتُ الشَّيْءَ وَتَقَيْتَهُ اتَّقِيَهُ...؛ حذرتَه. وقاه وقيا؛^۱

یعنی محافظت کردن، از چیزی تقیه کردم؛ یعنی از آن خود را حفظ کردم.

جوهری نیز تقیه را به معنای قرآنی آن معنا کرده است.^۲ و ابن منظور در لسان العرب تقیه را به معنای آمادگی برای چیزی و حفظ خود از آن معنا کرده است.^۳ از بررسی کتب لغت مشخص می‌شود که تقیه در لغت به معناهای صیانت، حفاظت و نگهداری چیزی از ضرر، آزار و اذیت چیز دیگر معنا شده است.

۲-۲. تقیه در اصطلاح

تقیه اصطلاحی دینی به معنای ابراز داشتن عقیده یا انجام دادن کاری برخلاف نظر قلبی خود، به دلایلی خاص است. فقها و علما به تعریف اصطلاحی تقیه پرداخته‌اند؛ از جمله شیخ مفید تقیه را به معنای کتمان کردن حق و پوشاندن عقیده خود و ترک مخالفت با مخالفان در مواردی که باعث ضرر و زیانی در دین یا در دنیا شود تعریف کرده است.^۴ شهید اول نیز تقیه را به همراهی و هم‌کلامی با مردم در آنچه عقیده دارند و ترک آنچه آن‌ها منکر هستند، برای جلوگیری از شر و ضرر آن‌ها، معنا کرده است.^۵ در واقع، تقیه در اصطلاح فقها، یعنی پوشاندن حق و عقیده خود و همراهی و هم‌کلامی با اجماع مردم در مواردی که ضرری در دین یا دنیای شخص ایجاد شود. در تقیه، برخلاف نفاق - که موضوع آن تظاهر به حق و پنهان کردن شرک و باطل است - شخص مؤمن به دلیل ترس از زیان مالی یا جانی برای خود یا دیگری، از اظهار حقیقت خودداری می‌کند.^۶

۱. القاموس المحيط، ج ۴، ص ۴۶۵.

۲. الصحاح، ج ۶، ص ۲۵۲۸.

۳. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۴.

۴. تصحیح اعتقادات الإمامية، ص ۱۱۵.

۵. القواعد والفوائد، ج ۲، ص ۱۵۵.

۶. اللوامع الالهية في المباحث الكلامية، ص ۳۷۷.

تعریف تقیه از دید علامه مجلسی با بررسی بیانات ایشان در ذیل روایت‌های تقیه‌ای قابل شناسایی است. تقیه از دید علامه با تعریف اصطلاحی فقها نزدیک است و ایشان نیز قایل به پوشاندن حق و عقیده و هم‌کلامی با مخالفان برای جلوگیری از ضرر و زیان مالی و جانی است؛ با این تفاوت که به تقیه از شیعیان کم بهره و ضعیف العقل برای جلوگیری از افتادن آن‌ها در ورطه جریان غلو نیز معتقد است.

۳. زمینه ایجاد روایات تقیه‌ای

زمینه ایجاد روایات تقیه‌ای از دید علامه به دو صورت است: ۱. زمینه خارجی که به مخالفین ائمه علیهم‌السلام برمی‌گردد؛ ۲. زمینه داخلی که جریان غلو و ترس از افتادن شیعیان ضعیف العقل و کم بهره به دام این جریان است.

۱-۳. زمینه خارجی

مهم‌ترین عامل ایجاد روایات تقیه‌ای در ارتباط با مخالفان، شرایط سیاسی زمان اهل بیت علیهم‌السلام است. شرایط سیاسی حاکم بر ائمه علیهم‌السلام، چه در زمان حکومت بنی امیه و بعد از آن، بنی عباس باعث شد که ائمه علیهم‌السلام برخی از روایات خود را با تقیه بیان کنند تا آنجا که حتی معرفی امام بعد نیز همواره در خفا و تقیه صورت می‌گرفته است. نقل شده است که گروهی در خدمت امام رضا علیه‌السلام بودند؛ وقتی عزم رفتن کردند، امام رضا علیه‌السلام به آن‌ها فرمود: پیش پسرم ابو جعفر بروید، به او سلام کنید و تجدید عهد نمایید. آن گروه که رفتند، امام علیه‌السلام فرمود: خداوند مفضل را رحمت کند؛ به کمتر از این اشاره نیز امر امامت بروی آشکار بود.^۱

علامه وجود عبارت «رحم الله مفضل» را در روایت، نشانه‌ای بر امامت امام جواد علیه‌السلام می‌داند که به دلیل تقیه به نام حضرت تصریح نشده است.^۲ یا در روایتی دیگر، احمد بن ابی خالد، غلام حضرت جواد علیه‌السلام می‌گوید: امام علیه‌السلام مرا گواه و وصی خود گرفت و امام هادی علیه‌السلام را سرپرست خواهران خویش قرار داد و عبد الله بن مساور را متصدی اموال و املاک و غلام و کنیز خویش تا زمان بالغ شدن علی بن محمد علیه‌السلام قرار داد. وقتی امام علیه‌السلام بالغ شد، عبد الله بن مساور باید از او اطاعت کند و اموال را در اختیار ایشان قرار دهد که ایشان اختیاردار خواهران

۱. اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۴۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۵.

خویش خواهد بود.^۱

علامه وجود مخالفین (اهل سنت) ناآگاه به قدر، منزلت و کمال امام با وجود صغرسنی را علت تقیه‌ای بودن این روایت می‌داند و معتقد است امام جواد علیه السلام ظاهراً کارها تا قبل از به بلوغ رسیدن امام هادی علیه السلام به عبدالله بن مسمار سپرده است تا بهانه‌ای برای دخالت قضات مخالفان در امور مالی و... امام علیه السلام نباشد.^۲

خفقان حاکم بر جامعه باعث شد ائمه علیهم السلام و شیعیانشان در خفقان، فشار و تهدید جانی و مالی و عقیدتی قرار بگیرند و ناگزیر بسیاری از روایات در قالب تقیه بیان شده است. این خفقان تا حدی بود که حتی امام کاظم علیه السلام برای خیزران، مادر خلیفه عباسی، نامه‌ای بلندپایه نوشت و به او به مناسبت فوت فرزندش موسی بن محمد تسلیت گفته و نسبت به خلافت فرزند دیگرش هارون، تهنیت گفت.^۳ شدت تقیه در زمان موسی ابن جعفر علیه السلام تا حدی بود که امام علیه السلام برای درگذشت یک کافر مطرود و شخص نابکاری که ایمان به خدا و قیامت نداشت، چنین نامه‌ای می‌نویسد. این روایت خود شاهدهی براهمیت تقیه است.^۴

۱-۳. جریان داخلی

در بررسی شرح‌ها و بیانات علامه مجلسی مشخص می‌شود که ایشان تنها معتقد به تقیه از مخالفین نبوده، بلکه برخی از جریان‌های داخلی شیعه را نیز در ایجاد روایت‌های تقیه‌ای مؤثر دانسته است. جریان غلو و ترس از افتادن شیعیان با بهره‌گیری کم در ورطه این جریان، نیز زمینه‌ساز ایجاد روایات تقیه‌ای در میان شیعیان بوده است.

ائمه علیهم السلام برای مقابله با افکار غالبان شیعه و عدم سوء استفاده این گروه از روایات و جلوگیری از در غلتیدن شیعیان در ورطه غلو، حتی مقامات علمی خود را انکار می‌کردند. روایت‌هایی که بر برتری میان ائمه علیهم السلام دلالت دارند، از این نوع هستند. از امام صادق علیه السلام درباره علمیت میان ائمه علیهم السلام، سؤال پرسیده شده است. امام علیه السلام فرمودند: با این‌که برخی از ائمه علیهم السلام عالم تر هستند، ولی علم همگی آن‌ها به حلال و حرام و تفسیر قرآن یکی است.^۵ علامه هر دو احتمال قبول یا رد علمیت بین ائمه علیهم السلام را پذیرفته و برای هر یک توضیحی نیز

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۲۳-۱۲۲.

۳. قرب الإسناد، ص ۳۰۹-۳۰۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۳۵.

۵. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۷۹.

ارائه کرده است. از دید ایشان، تجدید علمی که برای امام بعد صورت می‌گرفته، دلیل بر اعلم بودن امام بعد نسبت به امام قبل است؛ هر چند مطالب جدیدی که به امام بعد داده می‌شد، به عینه به امام قبل نیز افزوده می‌شد تا آخرین امام، از امام اول عالم تر نباشد. در نهایت، برای رفع تعارض ایجاد شده، این روایت را تقیه‌ای و جریان غلورا علت ایجاد آن می‌داند.^۱ البته ممکن است مراد از ائمه‌ای که عالم تر هستند، رسول خدا ﷺ و امام علی ﷺ باشند؛ همان طور که در روایت امام باقر ﷺ نیز به این نکته اشاره شده است:

أَنَّهُ يَجْرِي لِأَخْرِنَا مَا يَجْرِي لِأَوْلِنَا وَهُمْ فِي الطَّاعَةِ وَ الْحُجَّةِ وَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ سَوَاءٌ وَ
لِحَمْدِ ﷺ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَضْلُهُمَا.^۲

در روایت‌های بسیاری به فضیلت امامان شیعه ﷺ بر انبیای قبل از پیامبر ﷺ، اشاره شده است؛ اما در روایتی خلاف این آمده است. در باب فضیلت زیارت قبر امام علی ﷺ، از امام صادق ﷺ این چنین نقل شده است:

مَا سَكَنَ فِيهِ أَحَدٌ بَعْدَ أَبَوَيْهِ الطَّيِّبِينَ آدَمَ وَ نُوحٍ أَكْرَمُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

این روایت، بر کریم‌تر بودن حضرت آدم و نوح نسبت به حضرت امیرالمؤمنین ﷺ دلالت دارد.^۳ علامه مجلسی این قسمت (مَا بَعْدَ أَبَوَيْهِ) را به بعد از زمان رحلت آدم ﷺ و نوح ﷺ معنا کرده و معتقد است که این عبارت، با فضیلت امام علی ﷺ نسبت به پیامبرهای گذشته در تعارض نیست و ممکن است صدور این چنین روایاتی به دلیل ضعف عقول مردم یا ترس از ضعفای شیعه یا تقیه از مخالفین بیان شده است؛ چرا که اخبار مستفیضی وجود دارد که امامان شیعه ﷺ از انبیای غیر از پیامبر ﷺ عالم‌تر بوده‌اند.^۴

۴. سبک‌شناسی

شیوه برخورد علامه مجلسی با روایات تقیه‌ای بدین صورت است که ایشان گاه به دلیل وضوحی که در تقیه‌ای بودن برخی از روایات وجود داشته، تنها به تقیه‌ای بودن آن‌ها اشاره کرده و از توضیح درباره چرایی تقیه‌ای بودن آن‌ها خودداری کرده است. در این نوع، عموماً

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۵۸.

۲. الاختصاص، ص ۲۲.

۳. کامل الزیارات، ص ۳۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۶۰-۲۵۹.

علمای دیگر با علامه مجلسی هم نظر هستند؛ برای نمونه:

در روایتی امام کاظم علیه السلام چرت زدن شخصی را که در نماز نشسته باشد، تا زمانی که پیشانیش را بر زمین نگذاشته باشد یا خودش را به چیزی تکیه نداده باشد، بدون اشکال دانسته است.^۱ یا از امام باقر علیه السلام نقل شده است که پدرم در خانه اش ذکر «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ التَّوْمِ» را در اذان نماز می خواند.^۲ همان طور که در نمونه های ارائه شده مشاهده گردید، به دلیل وضوحی که در تقیه ای بودن این روایات وجود دارد، علامه از ارائه توضیحات اضافی خودداری کرده و تنها به تقیه ای بودن آن ها اشاره کرده است.

سبب و روش پرداختن علامه مجلسی به روایت های تقیه ای در تحلیل روایاتی که ایشان به توضیح چرایی تقیه در آن ها پرداخته قابل شناسایی است. در این دسته روایات، توضیحات مفیدی ارائه شده که با شناسایی و تحلیل آن ها می توان معیارهای شناخت روایات تقیه ای از دید علامه را نشان داد.

۱-۳. شناسایی قاعده مند روایات تقیه ای

۱-۱-۳. معیار اعتقادی

مخالفت با مبانی اعتقادی شیعه از معیارهایی است که علامه مجلسی رأی به تقیه ای بودن برخی از روایات ها داده است. عصمت انبیا و عدم پذیرش سهوالتنبی مهم ترین مبانی اعتقادی علامه مجلسی در تشخیص روایات های تقیه ای است.

۱-۱-۳-۳. عصمت انبیا علیهم السلام

عصمت انبیا علیهم السلام از موضوعاتی است که به صورت کلی مورد قبول همه مسلمانان است؛ اما در حدود و ویژگی های آن بین مذاهب مختلف اسلامی اتفاق نظر وجود ندارد و برخی از فرق اسلامی انجام برخی از گناهان را، در شرایطی، بر انبیا جایز دانسته اند. مطابق با دیدگاه امامیه، هیچ گونه گناهی، نه کبیره و نه صغیره، نه به صورت عمد و نه از روی سهو و خطا، از انبیا سر نمی زند^۳ و تنها برخی همچون شیخ صدوق و استادش، ابن ولید به سهوالتنبی معتقد هستند.^۴ علامه برای رفع تعارض روایات هایی که با عصمت مطلق انبیاء در تعارض

۱. همان، ج ۷۷، ص ۲۲۹.

۲. همان، ج ۸۱، ص ۱۶۹.

۳. اعتقادات الإمامیه (صدوق)، ص ۹۹.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰.

هستند، آن‌ها را بر تقیه حمل کرده است.

در موضوع سهوالنبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله نمازشان را با صدای بلند قرائت کردند. بعد از نماز، رو به اصحاب کردند و گفتند: آیا چیزی از نماز را فراموش کردم؟ اصحاب سکوت کردند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله از وجود ابی بن کعب در میان اصحاب سؤال کرد. گفتند: بله. پیامبر صلی الله علیه و آله از ابی پرسید: آیا چیزی از نماز را ضایع کردم؟ گفت: بله یا رسول الله صلی الله علیه و آله.^۱ از دید علامه، این روایت با اجماع امامیه در عصمت انبیا صلی الله علیه و آله مخالف بوده و موافق با دیدگاه شیخ صدوق و استادش ابن ولید است. او احتمال می‌دهد که این روایت، به قرینه راوی آن (ابن القَدَّاح) - که زیدی مذهب است - تقیه‌ای باشد. علامه اکثر روایتهای نقل شده از وی را مطابق با عقاید مخالفین می‌داند.^۲

علاوه بر روایتهایی که بر سهوالنبی دلالت دارند، در کتاب بحار الأنوار چندین روایت نیز نقل شده که بر انجام گناه توسط انبیا دلالت دارند. او این روایات را نیز، به طریق اولی، همانند روایات سهوالنبی، بر تقیه حمل کرده است.

در موضوع عصمت حضرت آدم علیه السلام، نقل شده که مأمون عباسی مناظره‌ای بین امام رضا علیه السلام با دانشمندان و صاحب نظران مسلمان و سایر ادیان از یهود و نصارا و مجوس و... تدارک دید. سؤالات متعددی از حضرت پرسیده شد. یکی از سؤالاتی که از امام پرسیده شد، تفسیر آیه «وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى»^۳ بود که امام علیه السلام، ضمن قبول معصیت حضرت آدم علیه السلام، مکان ارتکاب آن را در بهشت اعلام کردند.^۴ از دید علامه، امام رضا علیه السلام از سر تقیه و برای مماشات با اعتقادات اهل سنت، چنین تفسیری را از آیه مطرح کرده است. این سؤال در جمع دانشمندان مذاهب مختلف اسلامی از امام پرسیده شده و مراد حضرت از تعیین مکان ارتکاب معصیت حضرت آدم علیه السلام، تنها برای پایین آوردن رتبه گناه و رد کردن مطلق گناه از ایشان است.^۵ لازم به ذکر است که بسیاری از اندیشمندان و مفسران شیعه، در تفسیر این آیه، موضوع عدم معصیت حضرت آدم علیه السلام را مطرح کرده‌اند.^۶

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۲.

۳. سوره طه، آیه ۲۰.

۴. الامالی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶ش، ص ۹۱.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۷۲-۷۵.

۶. تنزیه الانبیاء، ص ۱۰؛ المیزان فی التفسیر قرآن، ج ۱۴، ص ۲۲۳-۲۲۲.

یا در تفسیر القمی روایتی نقل شده که در بخشی از آن به خطای حضرت داود علیه السلام نسبت به اوریا - که از فرمانده‌های ایشان بود - و نحوه ازدواج حضرت با همسر اوریا اشاره شده و مطالبی که با شأن و عصمت نبوت در تعارض هستند، به حضرت داود علیه السلام نسبت داده شده است.^۱ علامه برای رهایی از مطالب نادرستی که در این روایت به حضرت داود علیه السلام نسبت داده شده، بدون اشاره به ضعیف بودن روایت، بحث تقیه‌ای بودن روایات و هماهنگی آن را با عقاید اهل سنت مطرح کرده و به توجیه روایت پرداخته است.^۲ داستان زن اوریا و ارتباط وی با حضرت داود علیه السلام، با این‌که بازتاب گسترده‌ای در منابع تاریخی^۳ و تفسیری^۴ داشته، اما بسیاری از علما، برخلاف علامه، با عرضه این روایت بر آیات قرآن و مقایسه آن با سایر احادیث اهل بیت علیهم السلام درباره داود نبی علیه السلام، بر ساختگی بودن این روایت تأکید کرده‌اند. بسیاری از مفسران شیعه^۵ و اهل سنت^۶، ضمن رد کردن این داستان از زوایای گوناگون، به نقد آن پرداخته‌اند. فخر رازی ضمن پلید و فاسد خواندن این داستان، دلایل ده‌گانه‌ای را بر نادرستی آن اقامه کرده که همه آن‌ها دلالت بر تفسیر به رأی بودن این داستان برای آیه ۲۳ سوره «ص» می‌کنند.^۷ با وجود این‌که تقیه یکی از راه‌های علاج روایت‌های متعارض از دید علامه مجلسی است، اما تقیه‌ای بودن این روایت چندان مقبول نیست. چه بسا بهتر بود علامه نیز مانند سایر دانشمندان این روایت را بر آیات قرآن و احادیث قطعی اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌کردند و به جای تقیه‌ای بودن، بر ساختگی بودن آن تأکید می‌کرد.

۱-۲-۳. همراهی با مخالفان و مذاهب فکری

روایاتی که مطابق با دیدگاه سایر مذاهب، از جمله اهل سنت و تفکرات اسلامی، مانند اشاعره و صوفی بیان شده‌اند و با عقاید آن‌ها تطابق دارند نیز از مهم‌ترین مبانی علامه در تقیه‌ای دانستن روایات است.

همراهی با اهل سنت: از آنجایی که اهل سنت عموماً قدرت را در دست داشته‌اند،

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۳۳ - ۲۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۲۱ - ۲۳.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۳ - ۵۲؛ تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۲۸۶ - ۲۸۵؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۲.

۴. جامع البیان، ج ۱۲، ص ۲۳، ص ۱۷۴؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۳۳ - ۲۲۹.

۵. تبیان، ج ۸، ص ۵۵۵ - ۵۵۴.

۶. روح المعانی، ج ۱۱، ص ۲۰۶.

۷. مفاتیح الغیب، ج ۲۶، ص ۲۷۹ - ۲۷۷.

فشارهایی که نسبت به ائمه علیهم السلام و شیعیان‌شان در جامعه وجود داشت باعث شد بسیاری از روایت‌های اهل بیت علیهم السلام در شرایط تقیه و در راستای همراهی با عقاید آن‌ها نقل شوند. در روایتی با موضوع استطاعت از امام صادق علیه السلام نقل شده است: خداوند مخلوقات را آفرید و ابزار استطاعت را در آن‌ها قرار داد، ولی انجام دادن کار را به ایشان واگذار نکرد. هنگام کار و همراه کار، استطاعت بر آن کار دارند، ولی قبل از کار استطاعت ندارند. علامه در شرح روایت، چند احتمال را نقل کرده است؛ از جمله، روایت از سرتقیه و مطابق با دیدگاه اشاعره که معتقدند برای فرد قدرتی مقارن با فعل وجود دارد که در آن مؤثر نیست و به عدم تقدم استطاعت بر انجام کار معتقدند،^۱ نقل شده است. توضیح، آن‌که در اصطلاح کلام دو دیدگاه عمده درباره مفهوم استطاعت بر انجام فعل مطرح است: استطاعت همراه فعل، قایلین این دیدگاه - که اهل حدیث (اشعریون) و مرجئه هستند - قایل‌اند که هر فعلی را استطاعتی است که همراه با انجام آن کار ایجاد می‌شود و استطاعت، قبل از انجام کار وجود ندارد. وقتی استطاعت باشد، فعل هم هست و چون نباشد، فعل هم نیست. در واقع، این افراد قایل به جبر در اختیار هستند.^۲ در مقابل این گروه، عدلین (شیعه و معتزله) قرار دارند که به استطاعت قبل از فعل معتقد هستند و بر این باورند که انسان قبل از انجام کار استطاعت بر انجام آن دارد و در مقابل جبریون قرار دارند.^۳

در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین نقل شده است:

لَوْلَا أَنْ أُشِقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَخَّرْتُ الْعِشَاءَ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ.^۴

از دید علامه، این روایت بر استحباب تأخیر نماز عشا از اول وقت که فضیلت است دلالت می‌کند. بر همین اساس ممکن است به خاطر تقیه صادر شده باشد؛ زیرا تأخیر نماز عشا در بین اهل سنت مشهور است و در آثار روایی آن‌ها نیز مشهود است:

أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَوْلَا أَنْ أُشِقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يُؤَخِّرُوا الْعِشَاءَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ أَوْ نِصْفِهِ.^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۴۳.

۲. مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، ج ۱، ص ۲۸۳.

۳. شرح الاصول الخمسه، ص ۹۷.

۴. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۱.

۵. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۶۴.

همراهی با صوفیان: گاه روایتی برای هماهنگی با شیوه زندگی اهل تصوف نقل شده است. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که ایشان پیوسته خوردن گوشت را بد می داشت و خوردن آن را همچون می اعتیادآور می دانست.^۱ علامه ابن روایت و مشابه آن را موافق اخبار مخالفان و روش زندگی صوفیان می داند و آن را بر تقیه حمل کرده است.^۲

همراهی با اهل کتاب: همراهی روایات اهل بیت علیهم السلام با عقاید اهل کتاب از دیگر معیارها شناخت احادیث تقیه ای از دید علامه مجلسی است. نقل شده است که روزی هشام بن عبدالمملک، امام باقر علیه السلام را به شام فرا خواند تا یک دانشمند مسیحی درباره مسائلی از حضرت سؤال کند. از جمله سؤالات آن مسیحی این بود که مراد از آن دو نفر - که هر دو با هم متولد شده و در یک روز از دنیا رفتند و هر دو را در یک قبر دفن کردند و یکی از آن دو صد و پنجاه و دیگری پنجاه سال عمر کرد - چه کسانی بوده اند؟ امام باقر علیه السلام فرمود: آن دو نفر عزیر و خواهر دوقلوی او عزیره بودند.^۳ از دید علامه، نام شخصی را که خداوند به مدت صد سال میرانده بین ارمیا و عزیر اختلاف است و روایات بر هر دو دلالت دارند. روایت هایی که دلالت دارند این شخص عزیر بوده، ممکن است محمول بر تقیه و موافق با روایت های اهل کتاب باشند. ائمه علیهم السلام در پاسخ به اهل کتاب مطابق با دیدگاه خودشان پاسخ داده اند.^۴

۳-۱-۳. ترس از طعنه، توبیخ و بدگویی

ترس از طعنه، توبیخ و بدگویی در بین مردم از جمله علت هایی است که ائمه علیهم السلام با تقیه با مردم صحبت کرده اند؛ برای نمونه: در روایتی ابی خالد قماط به امام صادق علیه السلام می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیده ام که وقتی اهل بهشت وارد بهشت و اهل جهنم وارد جهنم می شوند، اگر خداوند اراده کند خلق دیگری را می آفریند و دنیا را برای آن ها خلق می کند و ... امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند: من نمی گویم خداوند این کار را می کند.^۵ در روایت هم مضمون دیگری، امام صادق علیه السلام در پاسخ به همین سؤال به ابوبصیر فرمودند: گمان نمی کنم خداوند خلق دیگری را بیافریند تا او را عبادت کنند.^۶

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۰.

۳. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۷۸.

۵. الزهد، ص ۱۰۴.

۶. همان، ص ۱۰۳.

علامه در شرح این دو روایت می‌گوید:

از سیاق می‌توان فهمید خداوند خلق دیگری را خلق می‌کند؛ اما امام علیه السلام از سرتقیه و ترس از طعنه و بدگویی از سوی مخالفین و... به خلقت دیگر تصریح نکرده است. کسی از متکلمین متعرض نفی با اثبات این موضوع نیز نشده است و ادله عقلی نیز ایجاد خلق دیگر را رد نمی‌کنند، بلکه آن را قوی ترمی کند.^۱

۳-۱-۶. مخالفت با مشهور و اجماع

خلاف آنچه مورد اجماع ائمه علیهم السلام و اصحاب است، از معیارهایی است که علامه برای تشخیص روایت‌های تقیه‌ای از آن استفاده کرده است. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده سوره‌های معوذتین (ناس و فلق) را در نمازهای واجب نخوانید. این دو سوره از دعاهای چشم‌زخم هستند و از قرآن نیستند و آن‌ها را به قرآن اضافه کرده‌اند و نباید آن‌ها را در نمازهای واجب خواند؛ ولی خواندن آن‌ها در نوافل اشکالی ندارد.^۲ علامه این روایت را محمول بر تقیه می‌داند و به نقل از کتاب ذکری می‌گوید:

اکثر علمای ما اجماع دارند که معوذتین از قرآن مجید و دو سوره جدا از هم هستند و خواندن آن‌ها در نمازهای واجب و نوافل اشکالی ندارد.^۳

در نمونه دیگر، نقل شده که امام باقر علیه السلام هنگام وضو گرفتن دستشان را داخل ظرف آب قرار می‌دادند و سپس سرو پاهایشان را مسح می‌کردند.^۴ علامه عبارت «وضع الید فی الإیاء للمسح»، در روایت را شاهد بر تقیه می‌داند و می‌گوید:

مشهور این است که برای مسح کردن سرو پاها نباید از آب جدید استفاده کرد مگر در هنگام ضرورت.^۵

۳-۲. نشانه‌های ظاهری روایات تقیه

در بررسی روایت‌هایی که علامه به تقیه‌ای بودن آن‌ها اشاره کرده است، برخی نشانه‌ها وجود دارند که به نحوی با تقیه‌ای بودن روایات در ارتباط هستند. از جمله مهم‌ترین

۱. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۷۶.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۱۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۴۳-۴۲.

۴. السرائر، ج ۳، ص ۵۵۴.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۷۲.

نشانه‌هایی که با وجود آن‌ها تا حدودی می‌توان به تقیه‌ای بودن روایت پی برد، عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. سکوت کردن

سکوت کردن ائمه علیهم‌السلام هنگام پاسخ دادن، از نشانه‌های ظاهری است که به تقیه‌ای بودن روایت متعارض دلالت می‌کند. در قرب الاسناد ابی نصر بزنطی می‌گوید: نماز مغرب را همراه با اهل مدینه در مسجد خواندم. وقتی امام جماعت، سلام داد، بلند شدم و چهار رکعت نماز خواندم و سپس دو رکعت نماز شب خواندم و نزد امام کاظم علیه‌السلام رفتم. امام به من گفت: نماز شب خواندی؟ گفتم بله. امام پرسید: چه وقت خواندی؟ گفتم: در هنگام مغرب و نحوه خواندن را توضیح دادم. و به ایشان گفتم: من این چنین نماز خواندم، اگر جایز نیست تا نمازم را سریعاً اعاده کنم. امام علیه‌السلام در پاسخ سکوت کردند.^۱

در روایت دیگری، ابراهیم بن ابی البلاد می‌گوید: به حضرت جواد علیه‌السلام عرض کردم: آیا شما به کتاب‌های پدرتان نگاه می‌کنید؟ امام فرمود: آری. گفتم: شمشیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زرهش؟ فرمود: در فلان محل بود و غلام حضرت رضا علیه‌السلام و محمد بن علی به آنجا رفته‌اند. و در ادامه، امام سکوت کرد.^۲ از دید علامه، مراد از «محمد بن علی» در روایت، خود حضرت جواد علیه‌السلام است که به واسطه تقیه به نام خود تصریح نکرده است.^۳ در این دو روایت امام علیه‌السلام به دلیل شرایط تقیه‌ای در پاسخ به سؤالات مطرح شده، سکوت کرده است.

۳-۲-۲. عدم اصرار معصوم به نهي کردن

عدم اصرار معصوم در نهي کردن، از دیگر نشانه‌های روایات تقیه‌ای است. نقل شده که حضرت علی علیه‌السلام در روز عید بیرون رفتند و مردمی را دیدند که نماز می‌خوانند. فرمودند: ای مردم، ما در مثل این روز در محضر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاضر بودیم، هیچ‌کس نبود که قبل از عید، نماز بخواند. مردی گفت: ای امیر المؤمنین، آیا این مردم را از نماز خواندن نهي نمی‌کنی؟ امام فرمودند: قصد ندارم بندگان را که نماز می‌خوانند، نهي کنم؛ ولی برای شما روایتی را از آنچه در نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاضر بودیم، نقل کردم.^۴ از دید علامه عدم اصرار امام علیه‌السلام به نهي کردن قوم، برای تقیه است.^۵

۱. قرب الاسناد، ص ۳۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۶۳.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۲۱.

۴. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۲۵.

۳-۲-۳. پرسش مخالفین از ائمه علیهم السلام

روایت‌هایی که مضمون سؤال و پرسش دارند و مخالفین اقدام به سؤال از معصوم علیه السلام کرده‌اند، از نشانه‌های تقیه است. از دید علامه، در این روایات، در صورتی که اثبات شود سؤال کننده از مخالفین بوده و روایت با عقاید شیعه مخالف باشد، روایت از نوع تقیه‌ای است. ائمه علیهم السلام در زمان خود، علاوه بر این که به عنوان امام شیعیان محل سؤال و رفع مشکل شیعیان خود بوده‌اند، به عنوان فقیهی بزرگ مورد توجه مخالفین بوده‌اند و گاه برخی از مخالفین حتی روایاتی را بر ائمه علیهم السلام عرضه می‌کردند؛ مثلاً ابوزرعه از محدثان و رجل شناسان بزرگ اهل سنت در وصف امام باقر علیه السلام می‌گوید: ایشان از بزرگ‌ترین دانشمندان است.^۱ یا ابواسحاق سبعی امام باقر علیه السلام را دانشمندی دانسته که هرگز کسی همانند او را در علم ندیده است.^۲ وقتی ائمه علیهم السلام از سوی مخالفین مورد سؤال قرار می‌گرفتند، با رعایت شرایط تقیه‌ای و مطابق با عقاید خودشان به آن‌ها پاسخ می‌دادند.

نقل شده است که گروهی از فقها نزد امام رضا علیه السلام بودند و از ایشان درباره تفسیر واژه نعیم در آیه «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^۳ سؤال پرسیدند. امام علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام، واژه «نعیم» را به خرمای تازه و آب خنک معنا کردند.^۴ علامه تفسیر واژه «نعیم» را به خرمای تازه متناسب با دیدگاه شیعه نمی‌داند و معتقد است گروهی که به نزد امام رضا علیه السلام آمده بودند تا از ایشان سؤال بپرسند، از مخالفین بوده‌اند و امام رضا علیه السلام مطابق با عقاید خودشان به آن‌ها پاسخ داده است. در نتیجه، ممکن است این روایت تقیه‌ای باشد.^۵ گاه مخالفان از چیزهایی سؤال می‌پرسیدند که خود شامل آن نمی‌شدند. ائمه علیهم السلام نیز با رعایت شرایط تقیه‌ای به آن‌ها پاسخ می‌دادند. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره معنای «آل محمد» سؤال پرسیده شده که امام علیه السلام آل محمد را به کسانی که خداوند ازدواج کردن با آن‌ها را حرام کرده، تفسیر کرده است.^۶ از دید علامه ممکن است مراد امام علیه السلام، اختصاص دادن «آل» به ائمه علیهم السلام باشد، نه این که مراد از آل تمام کسانی است که ازدواج با آن‌ها حرام است. حضرت با این

۱. المناقب، ج ۴، ص ۱۷۸

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۰

۳. سوره تکوین، آیه ۸.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۷۳.

۶. الاخبار، ص ۹۵.

تفسیر قصد خارج نمودن بنی عباس و امثال آن‌ها از معنای عبارت «آل محمد» را داشته و پرسش‌کننده خود از کسانی بوده که شامل معنای «آل محمد» نمی‌شده است.^۱

۴. نتیجه‌گیری

- علامه مجلسی در بحار الأنوار تنها به نقل روایت پرداخته است و به آسیب‌شناسی روایات نیز اقدام کرده است. از جمله روایت‌هایی که علامه به شرح و تبیین آن‌ها پرداخته، روایت‌های تقیه‌ای است. مبانی و شیوه پرداختن علامه به روایات تقیه‌ای در بررسی و تحلیل بیانات ایشان در شرح روایات تقیه‌ای قابل دست‌یابی است.

- با بررسی بیانات علامه، مشخص گردید ایشان تنها به تقیه از مخالفین معتقد نبوده است، بلکه برخی از جریان‌های داخلی شیعه را در ایجاد روایت‌های تقیه‌ای مؤثر دانسته است. مهم‌ترین زمینه ایجاد روایات تقیه‌ای در میان مخالفان به جریان سیاسی و در میان شیعیان به جریان غلو و وجود شیعیان کم‌بهره برمی‌گردد.

- علامه مجلسی به دو صورت کلی و قاعده‌مند به بررسی روایت‌های تقیه‌ای در کتاب بحار الأنوار پرداخته است. مهم‌ترین مبانی ایشان در شناخت روایت‌های تقیه‌ای عبارت‌اند از: مبانی اعتقادی، همراهی با مخالفان، مخالفت با مشهور و ترس از ایجاد طعنه، توییح و بدگویی.

- در بررسی بیانات علامه مشخص گردید که تقیه یکی از راهکارهای ایشان برای رفع تعارض اخبار بوده است و از این قاعده بسیار استفاده کرده است؛ تا جایی که حتی روایت‌های را که برانجام معصیت توسط انبیا دلالت دارند، برخلاف اکثر علما - که به موضوع و ساختگی بودن آن‌ها اشاره کرده‌اند - بر تقیه حمل کرده است.

- با بررسی بیانات علامه مجلسی می‌توان برخی از نشانه‌های روایات تقیه‌ای را شناسایی کرد؛ از جمله: سکوت کردن ائمه علیهم‌السلام، عدم اصرار ائمه علیهم‌السلام به نهی مخالفین، و پرسش مخالفین از ائمه علیهم‌السلام.

کتابنامه

قرآن کریم.

- اخباری‌گری (تاریخ و عقاید)، ابراهیم بهشتی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث،

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۱۶

- سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱ق.
- الإرشاد، محمد بن محمد نعمان شیخ مفید، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
 - إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ق.
 - أعيان الشيعة، سيد محسن امين، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
 - الأمالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
 - الإمامة و التبصرة من الحيرة، علی بن حسین ابن بابویه، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
 - بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 - بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليهم السلام، محمد بن حسن صفار، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
 - تاريخ حديث شيعه ۲، محمد كاظم طباطبائي، قم: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰ش.
 - تصحيح اعتقادات الإمامية، محمد بن محمد مفید، قم: كنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
 - تفسير القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم: دار الکتاب، ۱۳۷۳ش.
 - تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ق.
 - خصال، محمد بن علی شیخ صدوق، محقق: علی اکبر غفاری، قم: جامع مدرسين، ۱۳۶۲ش.
 - روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، محمود بن عبدالله آلوسی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
 - روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی ابوالفتوح رازی، مشهد: بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
 - زندگی نامه علامه مجلسی، مصلح الدین مهدوی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ش.
 - الزهد، حسین بن سعید کوفی اهوازی، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ق.

- السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)، محمد بن احمد ابن ادريس، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٠ق.
- شرح الاصول الخمسه، قاضى عبدالجبار بن احمد، مصحح: احمد بن حسين ابى هاشم، بيروت: دارالاحياء التراث العربى، بى تا.
- الصحاح، اسماعيل بن حماد جوهرى، بيروت: دار العلم للملايين، بى تا.
- علل الشرائع، محمد بن على شيخ صدوق، قم: كتاب فروشى داورى، ١٣٨٥ش.
- عيون أخبار الرضا، محمد بن على شيخ صدوق، تهران: نشر جهان، ١٣٧٨ق.
- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، منسوب به على بن موسى الرضا عليه السلام مشهد: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٦ق.
- القاموس المحيط، محمد بن يعقوب فيروز آبادى، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
- قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر حميرى، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤١٣ق.
- القواعد و الفوائد، محمد بن مكى شهيد اول، قم: منشورات مكتبة المفيد، بى تا.
- الكافى، محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
- كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، نجف اشرف: دارالمرتضوية، ١٣٥٦ش.
- لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور، قم: نشر حوزة، ١٤٠٥ق.
- اللوامع الالهية فى المباحث الكلامية، جمال الدين مقداد بن عبدالله الأسدى السيورى، تحقيق: محمد على قاضى طباطبايى، قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ١٣٨٠ش.
- مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم: دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧١ش.
- مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، على بن اسماعيل اشعري، مصحح: ريتز هلموت، بيروت: دارالنشر، بى تا.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على شيخ صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٣ق.
- مناقب آل أبى طالب، ابن شهر آشوب، نجف اشرف: الحيدريه، ١٣٧٦ق.
- الميزان فى تفسير القرآن، محمد حسين طباطبايى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠ق.

- مکتب‌های حدیثی، محمد حسن ربانی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- تطور اجتهاد در حوزه استنباط، محمد ابراهیم جناتی، تهران: امیرکبیر، بی‌تا.
- مجموعه رسائل، محمد حسین طباطبایی، به کوشش: هادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
- تنزیه الانبیاء، علی بن حسین علم الهدی، قم: الشریف الرضی، بی‌تا.
- علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، علی دوانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.
- علامه مجلسی، حسن طارمی، تهران: نشر نو، ۱۳۹۰ش.
- مقدمه‌ای بر فقه شیعه، حسین مدرسی طباطبائی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ش.
- تاریخ یعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بیروت: مؤسسه عزالدین، ۱۴۱۳ق.
- مروج الذهب و مهادن الجواهر، علی بن حسین مسعودی، شرح عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ق.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.
- الثبیبان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، مصحح احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء، بی‌تا.
- التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- «علامه مجلسی و جمع روایات متعارض»، عبدالهادی فقهی زاده؛ زهراء خرمی اجلالی، علوم حدیث، ص ۵۳، ۱۰۷-۹۰، ۱۳۸۸ش.